

Inquiry into the Approach of Muḥyī al-Dīn Ibn ‘Arabī and Its Essential Concomitants Regarding Loving-Kindness (Mawaddah) for the Ahl al-Bayt (PBUT)

Sayyid Muhammad Mozaffari 

Visiting Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Al-Mustafa International University, Khorasan Branch, Mashhad, Iran. Email: dr.s.m.mozaffari@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received

01 September 2024

Received in revised form

22 October 2024

Accepted

03 November 2024

Available online

21 December 2024

Keywords:

Ahl al-Bayt,

Maḥabbah Ahl al-Bayt

(love for the Ahl al-Bayt),

Mawaddah Ahl al-Bayt

(loving-kindness for the Ahl al-Bayt),

Dhū al-Qurbā (close kin),

betrayal of the Ahl al-Bayt,

Ibn ‘Arabī

ABSTRACT

Based on the *Qur’ānic* verse and narrations from both Islamic main denominations (*al-Farīqayn*), the sole request and reward of the Final Prophet’s (PBUH) mission from Muslims is loving-kindness (*mawaddah*) for his close kin (*qurbā*), and he sought no reward other than this for conveying his message. *Muḥyī al-Dīn Ibn ‘Arabī* asserts that if someone neglects the Prophet’s only request, they will not be able to gaze upon his face on the Day of Judgment nor hope for his intercession. This article clarifies *Ibn ‘Arabī*’s approach to love (*maḥabbah*) and loving-kindness (*mawaddah*) for the Ahl al-Bayt (PBUH), extracting it from primary sources, and analyzes the essential concomitants of his perspective. It addresses the following questions: What is the meaning of *mawaddah* for the Ahl al-Bayt? Given his definition of *mawaddah*, what are the implications of his approach? Does *Ibn ‘Arabī* adhere to these essential concomitants? If so, does he explicitly articulate them? In answering these questions, the study concludes that *mawaddah* for the Ahl al-Bayt is an act of worship and a pillar of the *Sharī‘ah*. Loving-kindness for them is inseparable from love for the Prophet himself. Failing to show loving-kindness toward them constitutes a betrayal of the Prophet and disobedience to his commands. Most importantly, *mawaddah* entails steadfastness in loving the Ahl al-Bayt, as it is a divine trust (*amānah*). It means obeying and following their guidance, and neglecting it results in disobedience to the Prophet’s commands and departure from his *Sharī‘ah*.

Cite this article: Mozaffari, S. M. (2024). Inquiry into the Approach of Muḥyī al-Dīn Ibn ‘Arabī and Its Essential Concomitants Regarding Loving-Kindness (Mawaddah) for the Ahl al-Bayt (PBUT). *Theology Journal*, 10(2), 157-171. <https://doi.org/10.22034/pke.2024.19337.1919>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/pke.2024.19337.1919>



پژوهش‌های فلسفی و کلامی

پژوهش‌نامه کلام

شاپا چاپی: ۵۳۲۵-۲۴۷۶

شاپا برخط: ۶۶۷-۲۷۸۳

Homepage: pke.journals.miu.ac.ir



جامعه
المصطفی
العالیه

مداقه‌ای در رویکرد محی‌الدین ابن‌عربی و لوازم آن در مودت اهل‌بیت (ع)



سید محمد مظفری

استاد مدعو، گروه فلسفه و کلام اسلامی، جامعه المصطفی‌العالیه، مشهد، ایران. رایانامه: dr.s.m.mozafari@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱ کلیدواژه‌ها: اهل‌بیت، محبت اهل‌بیت، مودت اهل‌بیت، ذوی‌القربا، خیانت به اهل‌بیت، ابن‌عربی	بر اساس آیه قرآن کریم و روایات فریقین، تنها خواست و پاداش رسالت پیامبر خاتم (ص) از مسلمانان، مودت نزدیکان آن جناب است و در برابر ابلاغ رسالتش هیچ پاداشی جز آن نخواست است. محی‌الدین ابن‌عربی معتقد است که اگر کسی به تنها خواسته پیامبر اکرم (ص) توجه نکند، نمی‌تواند روز قیامت به صورت آن جناب بنگرد و توقع و امید شفاعت ایشان را داشته باشد. این مقاله ضمن مشخص کردن رویکرد شیخ در محبت و مودت اهل‌بیت و استخراج آن از منابع دسته اول، لوازم دیدگاه ایشان را مورد واکاوی و تحلیل قرار داده و به پرسش‌های ذیل پاسخ داده است: معنای مودت اهل‌بیت چیست؟ با توجه به معنایی که او از مودت ارائه کرده است، رویکرد ایشان چه لوازمی دارد؟ آیا شیخ به این لوازم ملتزم است؟ اگر ملتزم است، آن‌ها را با صراحت بیان کرده است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، به این نتیجه رسیده است: مودت اهل‌بیت، عبادت و از ارکان شریعت است. مودت ایشان به هیچ‌رو قابل انفکاک از محبت خود پیامبر اکرم (ص) نیست. مهر نورزیدن به آن بزرگواران، خیانت به پیامبر و نافرمانی از دستورات آن حضرت است و از همه مهم‌تر اینکه مودت، پایداری در محبت اهل‌بیت (ع)، امانت الهی و به معنای اطاعت و پیروی از فرامین و رهنمودهای ایشان است که فرجام آن، نافرمانی و سرپیچی از فرمان رسول خدا (ص) و خروج از شریعت آن جناب است.

استناد: مظفری، سید محمد (۱۴۰۳). مذاقه‌ای در رویکرد محی‌الدین ابن‌عربی و لوازم آن در مودت اهل‌بیت (ع). پژوهش‌نامه

کلام، ۱۱(۲)، ۱۵۷-۱۷۱. <https://doi.org/10.22034/pke.2024.19337.1919>



© نویسنده(گان).

ناشر: جامعه المصطفی‌العالیه.

مقدمه

در روایات، ادعیه، زیارت‌نامه‌ها، و مناجات معصومان (ع)، مطالب عرفانی والایی وجود دارد. به‌ویژه در مورد منزلت اهل‌بیت (ع)، مضامین شامخی را شاهدیم که حتی پاره‌ای از خواص نیز چنین منزلتی را برای آن بزرگواران برنمی‌تابند و ممکن است این مطالب را غلوآمیز و شرک‌آلود پنداشته و با توجید در ربوبیت حق تعالی سازگار ندانند. فهم و درک چنین مقاماتی بدون شناخت نظام هستی‌شناسی عرفانی که البته سرچشمه‌های آن در قرآن کریم و روایات پیامبر و اهل‌بیت (ع) نهفته است، دشوار می‌نماید. اینجاست که رجوع به نظام عرفانی ضرورت می‌یابد و با وارد صحنه کردن آن، می‌توان چنین مطالب شامخ و صعبی را مبین و مدلل ساخت و به فهم صحیح آن دست یافت.

از منظر عرفا، تمام نظام هستی، مراتب وجودی، و تنزلات حقیقت انسان کامل است. خداوند متعال یک ظهور یا تجلی بیشتر ندارد که در نظام عرفانی، از مرتبه علمی و درون‌ذاتی آن به «فیض اقدس» و از مرتبه عینی و برون‌ذاتی‌اش به «فیض مقدس» تعبیر می‌شود. فیض اقدس، همان باطن فیض مقدس است. فیض مقدس، همان مقام انسان کامل است که از خود وجود استقلالی و بالذات ندارد، بلکه عین فقر و ربط به ذات حق و فانی در الوهیت خداوند متعال است.

مقام انسان کامل که مصداق آن، پیامبر اکرم (ص) و اهل‌بیت (ع) هستند، بسیار فراتر از دیدگاه‌های متعارف برخی از اصناف اهل علم است. شناخت چنین منزلتی نیازمند مطالعات و تحقیقات گسترده و آشنایی با روایات و نظام هستی‌شناسی عرفانی است.

اصل مودت اهل‌بیت به‌صورت عام به قرآن کریم برمی‌گردد. خداوند متعال در سوره مبارکه شوری، مودت اهل‌بیت را پاداش رسالت و فرض قرار داده است: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری ۲۳)؛ بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان [یعنی اهل‌بیت] نمی‌خواهم. اگرچه برخی از مفسران اهل سنت در توضیح «قربی» و مصداق اهل‌بیت اختلاف دارند، در برخی منابع معتبر تفسیری و روایی اهل سنت، مصداق ایشان به‌وضوح معرفی شده و پنج تن آل عبا، یعنی خود پیامبر، امام علی، حضرت فاطمه صدیقه، امام حسن مجتبی، و امام حسین (ع)، را مصداق مسلم و قطعی اهل‌بیت دانسته‌اند (فخررازی، ۱۴۲۲ق، ج. ۹، ص. ۵۹۵؛ احمد حنبل، ۱۴۱۶ق، ج. ۴۴، ص. ۱۱۸؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج. ۸، ص. ۱۲). زمخشری که از مفسران بنام اهل سنت است، حدیث به‌نسبت مفصلی از پیامبر (ص) نقل کرده که حب اهل‌بیت (ع) را همسان با شهادت در راه خدا دانسته و برکات و آثار زیادی برای آن مترتب است و بغض با ایشان تبعات بسیار مهلکی دارد: کسی که با دوستی اهل‌بیت مرده باشد، مغفور و با توبه از دنیا رفته، مؤمن و با ایمان کامل مرده است، فرشته موت و پس از آن نکیر و منکر او را به بهشت بشارت می‌دهند و از قبر او دو در به‌سوی بهشت گشوده می‌شود... کسی که با بغض آل محمد (ص) از دنیا رفته است، از رحمت خدا مأیوس و کافر مرده و بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۴، صص. ۲۲۱-۲۱۹).

مفسران شیعه نیز بر طبق روایات، «قربی» را علی، فاطمه زهرا، حسن مجتبی، و حسین (ع) معرفی کرده‌اند و معتقدند مودت این افراد در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که با رسالت هم‌ارزش است و وجوب مودت به جهت تداوم هدایت برای مردم و در امتداد ولایت الهیه پیامبر است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج. ۱، ص. ۸؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۴۰۰؛ طباطبایی، ج. ۱۸، ص. ۴۶). ایشان همه ائمه دوازده‌گانه را جزو مصادیق اهل بیت می‌دانند.

در خصوص تحلیل رویکرد ابن عربی در مودت اهل بیت و لوازم آن، نگارنده تحقیقی با این عنوان یا نزدیک به آن نیافت، جز مقاله «اهل بیت از منظر ابن عربی» (بدیعی، ۱۳۸۸، شماره ۲۲۱) که در بخشی از مقاله به اجمال به مودت اهل بیت از نگاه ابن عربی نیز اشاره شده است؛ لیکن تحقیق حاضر با مقاله مزبور از جهات متعددی تفاوت دارد. در این پژوهش، مطالب محی‌الدین درباره مودت اهل بیت (ع) به صورت جامع از آثار و متون دسته اول شیخ گردآوری و طبقه‌بندی شده، مصادیق اهل بیت معین و رویکرد شیخ و لوازم آن مورد تحلیل و مذاقه قرار گرفته است. محی‌الدین ابن عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی، جایگاه بلند و شامخی برای اهل بیت (ع) قائل است. شاید کمتر کسی را از میان علمای شیعه و اهل سنت بتوان یافت که سخنانی همپای او در وصف عظمت وجودی و امامت تکوینی اهل بیت (ع) گفته باشد. او در خصوص مودت اهل بیت (ع) معتقد است که مودت ایشان فریضه الهی است و فرض بودن مودت ایشان، لوازمی بسیار دارد که پاره‌ای از این لوازم را شیخ به وضوح بیان کرده است؛ از جمله اینکه حب اهل بیت از حب پیامبر (ص) غیرقابل انفکاک است و مودت اهل بیت (ع) عبادت و بغض با ایشان خسران جبران‌ناپذیر است. و برخی دیگر را به روشنی بیان نکرده، لیکن می‌توان با تحلیل سخنان او به آن‌ها نیز دست یافت که از مهم‌ترین آن‌ها مرجعیت اهل بیت و لزوم اطاعت از ایشان است. در این مقاله، با مراجعه به متون اصلی به‌جامانده از ابن عربی، رویکرد او در مودت اهل بیت (ع) تبیین و لوازم آن مورد واکاوی قرار گرفته است.

بیان مصداق اهل بیت (ع)

محی‌الدین ابن عربی در کتاب *سجرة الکون* می‌گوید بنیان اسلام بر پنج اصل نهاده شده است... اصل پنجم، اهل بیت (ع) هستند که پنج نفرند: محمد، علی، فاطمه، حسن، و حسین، و محبت یاران و مودت نزدیکان پیامبر از ارکان دین و برپاداشتن ارکان شریعت است... سپس می‌افزاید که خداوند ناپاکی را از اهل بیت پیامبر زدوده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب ۳۳)؛ همانا خدا همواره می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت برطرف کند و شما را چنان که شایسته است، پاک و پاکیزه گرداند. او برای تعیین مصداق اهل بیت (ع)، این حدیث را از رسول گرامی (ص) نقل می‌کند: «رسول خدا (ص) فرمود: این آیه درباره اهل بیت نازل شده است؛ یعنی من، علی، فاطمه، حسن، و حسین» (ابن عربی، ۱۴۲۱ق، ج. ۱، ص. ۳۳۱).^{۲۰} در دو موضع دیگر می‌نویسد: «اهل بیت نبی (ص) کسی است که متصف به صفات او باشد».^{۲۱}

۲۰. «قال رسول الله انزلت هذه الایه فینا اهل البيت انا و علی و فاطمه الحسن و الحسين».

۲۱. «و اهل بیته من کان موصوفا بصفته».

ابن عربی در باب بیست و نهم ذیل بحث آیه تطهیر، اهل بیت را پاک و مقدس دانسته، مصادیق آن را نیز با صراحت بیان کرده است (ابن عربی، بی تا، ج. ۲، ص. ۱۲۶).

با توجه به مستندات موجود در منابع اهل سنت، تردیدی نیست که پنج تن آل عبا به صورت قطع از مصادیق اهل بیت اند. به عنوان مثال، فخررازی می گوید: شکی نیست که رابطه علی، فاطمه، حسن و حسین با رسول خدا (ص) شدیدترین علقه بود و این به تواتر معلوم است. پس واجب است که آن ها آل باشند؛ اما اینکه غیر ایشان داخل در آل باشند، مورد اختلاف است. سپس این روایت را از تفسیر کشاف نقل می کند که: «هنگامی که این آیه نازل شد، از پیامبر سؤال شد: یا رسول الله! اقبایی که بر ما مودت شان واجب شده چه کسانی هستند؟ فرمود: علی، فاطمه، و دو فرزند آن ها». آنگاه برای وجوب مودت اهل بیت چنین استدلال می کند: «این چهار نفر اقارب رسول خدا هستند و اقارب رسول خدا واجب التعظیم اند. پس ایشان واجب التعظیم اند» (فخررازی، ۱۴۲۲ ق، ج. ۹، ص. ۵۹۵).

نگارنده در مقاله دیگری این مسئله را مورد تحقیق قرار داده و از منابع فریقین، مصداق اهل بیت را مشخص کرده است (مظفری و غفاری، ۱۳۹۶).

مودت اهل بیت

رویکرد شیخ در مورد اهل بیت (ع) از ساحت های مختلفی قابل مذاقه و تحلیل است: مصداق اهل بیت چه کسانی اند؟ محبت و مودت چیست و چه تفاوتی دارد؟ چرا مودت اهل بیت عبادت است؟ چرا بغض اهل بیت زیان جبران ناپذیر است؟ چرا مودت اهل بیت از مودت پیامبر (ص) قابل انفکاک نیست؟ چرا اگر کسی مودت اهل بیت را از مودت پیامبر (ص) جدا پندارد، چنین کاری مکر است؟ و این مطالب چه لوازمی دارد؟

برای به دست آوردن پاسخ پرسش های فوق، بخشی از بیانات او را نقل و مورد تحلیل قرار می دهیم: حقیقت این است که پیامبر (ص) به فرمان خدا چیزی جز محبت نزدیکانش از ما نخواست است و سرّ صلّه ارحام در همین خواسته آن حضرت نهفته است. و کسی که خواست پیامبرش را که از او خواسته است نپذیرد، درحالی که توان آن را دارد، در فردای قیامت با چه رویی می تواند به صورت پیامبر (ص) بنگرد یا توقع و امید شفاعت آن حضرت را داشته باشد و او پیامبرش را به آنچه از او خواسته - محبت نزدیکانش - کمک نکرده است. پس در مورد اهل بیتش چطور که از نزدیکان ویژه پیامبرند؟ (ابن عربی، ۱۹۷۲، ج. ۳، ص. ۲۳۶)^{۲۲}

معنای «مودت»، «قربی» و «محبت»

«مودت» را برخی از لغت دانان مصدر (فراهیدی، ۱۳۰۵، ج. ۸، ص. ۹۹) و پاره ای دیگر اسم مصدر می دانند (فیومی، بی تا، ص. ۶۵۳؛ ابن منظور، بی تا، ج. ۳، ص. ۴۵۳) و به معنای «محبت» و «دوست داشتن» آمده است

۲۲. فان النبی (ص) ما طلب منا، عن أمر الله، "إلا المودة فی القربی". وفيه سر صلة الأرحام. ومن لم یقبل سؤال نبیه فیما سألّه فیهِ، مما هو قادر علیه، بأی وجه یلقاه غداً، أو یرجو شفاعته، وهو ما أسعف نبیه (ص) فیما طلب منه من "المودة فی قرابته"، فکیف بأهل بیته، فهم أخص القرابة؟

(ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج. ۶، ص. ۷۵). «المودة» اسم مصدر و به معنای محبت و دوستی است و الف و لام آن نیز الف و لام جنس است؛ زیرا اصل در الف و لام، جنس بودن است، مگر اینکه قرینه‌ای برخلاف آن باشد که در اینجا قرینه وجود ندارد. پس «مودت» یعنی دوست داشتن و محبت ورزیدن و ابراز آن که علاقه و پیوستگی خاصی را به وجود می‌آورد و باعث می‌شود که فرد در غم و شادی شخصی که دوستش دارد، شریک شود و از رفتار و کردار او اثر پذیرد و اگر مقامش از او بالاتر باشد، فرمانش را اطاعت کند و او را الگوی زندگی خویش قرار دهد (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج. ۱۵، صص. ۲۴۷-۲۴۸).

واژه «قربی» به ضم قاف و سکون را و فتح با، در لغت از ریشه «قرب» و باب «قَرَبَ يَقْرُبُ» است که در مقابل بُعد و دوری قرار دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۱۵۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج. ۵، ص. ۸۰؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج. ۳، ص. ۱۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج. ۲، ص. ۶۶۲). «قربی» از واژگان قرآن کریم به معنای خویشان و اهل قرابت و نزدیکان رسول اکرم (ص) آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۱۴۰). زمخشری معنای «قربی» را نزدیکان و اهل بیت پیامبر (ص) می‌داند و می‌نویسد در آیه مودت، عبارت «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» آمده، نه «إِلَّا الْمَوَدَّةَ لِلْقُرْبَى» یا «إِلَّا مَوَدَّةَ الْقُرْبَى». به دلیل اینکه عرب برای مودت ظرفی قائل‌اند و متعلق «فِي الْقُرْبَى» کلمه «مودت» نیست، بلکه متعلق آن محذوف است و تقدیر آن چنین است: «إِلَّا الْمَوَدَّةَ الثَّابِتَةَ فِي الْقُرْبَى»؛ یعنی مودتی که در «قربی» ثابت است. هنگامی که این آیه نازل شد، از پیامبر (ص) پرسیده شد: «یا رسول‌الله! نزدیکان تو که مودت آن‌ها بر ما واجب است، چه کسانی هستند؟» ایشان فرمودند: «علی و فاطمه و دو فرزند آن‌ها» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۴، ص. ۲۱۹).

الف و لام در «القربی» عوض از مضاف‌الیه است و تقدیر آن «قربای» می‌باشد؛ یعنی: «از شما برای تبلیغ رسالت مزدی نمی‌خواهم، مگر دوستی خویشان و اهل قرابت‌م را». «إِلَّا» استثنای متصل و «أَجْرًا» نکره در سیاق نفی و مفید عموم است؛ یعنی هیچ مزدی جز این مزد نمی‌خواهم (طبرسی، ۱۴۲۵ق، ج. ۹، ص. ۴۸). الف و لام در «القربی» نیز با قطع نظر از روایات، ظهور دارد که الف و لام جنس است، ولی با توجه به روایاتی که «القربی» را به افراد خاصی مخصوص می‌کند، ممکن است گفته شود: الف و لام آن عهد است و اشاره دارد به افرادی که بین خدای متعال و نبی اکرم (ص) معهود و شناخته شده بوده‌اند و ما برای شناختن آن افراد باید به پیامبر اکرم (ص) یا سخنان آن حضرت مراجعه کنیم (بابایی، ۱۳۸۰، شماره ۴۸). «حب» به معنای دوست داشتن است (طریحی، ۱۳۷۵، ج. ۲، ص. ۳۲؛ قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج. ۲، ص. ۹۳). در قرآن مجید، فعل ثلاثی این کلمه به کار نرفته، بلکه باب افعال آن به کار رفته است. در کل، از لحاظ واژگانی، میل به شخص یا چیزی، محبت و مودت نامیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج. ۱۳، ص. ۶۴).

تفاوت مودت و محبت

واژه «محبت» در استعمالات روزمره عرفی به معنای دوست داشتن است و در اشیاء و اشخاص هر دو به کار می‌رود. از این رو، انسان می‌تواند هم به چیزی همانند گیاه و حیوان و حتی جمادات محبت داشته باشد و هم به اشخاص. همچنین محبت می‌تواند یک‌سویه باشد؛ به این معنا که شخصی به چیزی یا شخص

دیگری محبت می‌ورزد، ولی آن چیز یا شخص به‌طور کلی قابلیت محبت داشتن و ابراز آن را ندارد یا اگر می‌تواند محبت کند، این کار را ممکن است نکند و حتی می‌تواند نسبت به آن کس نفرت داشته باشد. اما واژه «مودت» که از کلمه عربی «وَدَّ» گرفته شده است، نوع استعمالات قرآنی آن نشان می‌دهد که مودت به معنای احساس عاطفی شدید انسان، آن هم به اشخاص و نه اشیاء، و ارتباط دوطرفه و پیوند و دلبستگی و وابستگی دوسویه است. خداوند در قرآن این واژه را در مواردی خاص که ارتباط عاطفی دوسویه باشد به کار برده است؛ ارتباطی که در قالب دوستی و ترابط کلامی و رفتاری بروز می‌کند (نساء ۷۳؛ مائده ۸۲؛ عنکبوت ۲۵؛ ممتحنه ۱، ۷). افزون بر این، در معنای مودت، نوع ثبات و دوام نهفته است.

معنای مودت در آیه

در آیه کریمه، واژه «مودت» به کار رفته است و با توجه به لحن و سیاق و نیز توضیحاتی که از زبان روایات در این راستا رسیده است، منظور، تعاطف و محبت عادی نمی‌تواند باشد؛ زیرا تعاطف عادی به افراد، این تناسب و شایستگی لازم را ندارد که به‌عنوان پاداش رسالت قرار گیرد. آنچه به‌عنوان مزد رسالت می‌توان مطرح کرد، مودتی است که رسالت و دین را در جامعه مستقر سازد تا با استقرار آن، پاداش رسالت شکل گیرد. رسالت پیامبر برای استقرار دین است. بر همین اساس، منظور از مودت، پی‌آمد آن، یعنی رهبری و اطاعت و در واقع پذیرش امامت و رهبری «ذوالقربی» است که دین را در جامعه شکوفایی می‌سازد و در روایات نیز بر آن پافشاری شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج. ۱۳، ص. ۶۴).

شیخ می‌گوید: «خداوند متعال فرمان به مودت داده است که ثبوت و پایداری محبت است؛ زیرا کسی که مودتش در امری ثابت است، باید در هر حالی او را کرد و ثبوت مودت معنا ندارد، مگر حصول بالفعل اثر آن» (ابن عربی، ۱۹۷۲، ج. ۳، ص. ۲۳۷).^{۲۳} این معنایی که شیخ از مودت ارائه کرده، در خور مذاقه و تحلیل است و اگر مقدمات آن تنظیم شود، به نتیجه بسیار مهمی خواهیم رسید:

مقدمه نخست: مودت اهل بیت با دوام و پایدار واجب است.

مقدمه دوم: هرکسی که مودتش دائماً واجب است، باید در هر حالی همراه او بود.

نتیجه: باید در هر حال همراه ایشان بود.

از سوی دیگر، وجوب همراهی با کسی جز با اطاعت از او میسر نیست. بنابراین، مودت حقیقی و پایدار اهل بیت (ع) جز پیروی مطلق از آن بزرگواران، معنای محصل و معقول دیگری ندارد. شاید شیخ با جمله «حصول اثرها بالفعل» در عبارتش به این مطلب مهم اشاره دارد.

مطالبی که پیش‌تر از آقای مصطفوی در /تحقیق نقل شد و نیز تحقیق علامه طباطبایی در معنای مودت اهل بیت نشان می‌دهد که منظور از واجب کردن مودت اهل بیت این است که آن را وسیله قرار دهد برای اینکه مردم را به ایشان ارجاع دهد و اهل بیت مرجع علمی قرار گیرند. پس مودتی که اجر رسالت قرار

۲۳. «ثم إنه (تعالی) جاء بلفظ "المودة" و هو الثبوت علی المحبة، فإنه من ثبت وده، فی أمر، استصحبه فی کل حال ... و لا معنی لثبوتها (أی المودة) إلا حصول أثرها بالفعل...».

داده شده، در حقیقت چیزی ماورای خود رسالت و دعوت دینی و استمرار و دوام آن نیست (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج. ۱۸، ص. ۴۷).

حال پرسش اساسی این است که آیا ابن‌عربی نیز همین معنا را از مودت اهل‌بیت (ع) و در کل مرجعیت مطلقه ایشان را پذیرفته است یا خیر؟ روشن است که پذیرش مرجعیت اهل‌بیت (ع)، مدلول مطابقی سخنان او نیست و او با صراحت چنین مطلبی را بیان نکرده است، لیکن این بدان معنا نیست که از تحلیل عبارات شیخ و لوازم آن نیز چنین مطلبی فهم نشود. به دیگر سخن، پذیرش مرجعیت اهل‌بیت (ع)، اگرچه مدلول مطابقی سخنان او نیست، اما مدلول التزامی آن است و شواهدی بر این مطلب وجود دارد:

الف) قرائن داخلی: همان مطالبی که در بالا در ضمن مقدماتی که از عبارت شیخ استخراج شد. شیخ مودت اهل‌بیت را بسان مودت پیامبر (ص) می‌داند و معنای مودت پیامبر (ص) جز اطاعت از ایشان معنای محصلی ندارد و تفکیک میان مودت پیامبر (ص) را به‌هیچ‌رو روا نمی‌داند و کسانی که چنین تفکیکی را روا می‌شمارند، خائن به شریعت آن جناب و خارج از آن می‌داند. در نتیجه، همان‌گونه که اصل مودت آن بزرگواران قابل انفکاک نیست، معنای مودت نیز غیرقابل انفکاک و در همه مصادیق اهل‌بیت یکسان است. بنابراین، مودت اهل‌بیت (ع) جز اطاعت از دستورات آن‌ها معنای محصلی ندارد.

ب) قرائن خارجی: در موارد دیگری، شیخ تصریح کرده است که گوهر و حقیقت شریعت نزد اهل‌بیت است (ابن‌عربی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۳۳۵؛ ۱۴۲۱ق، ج. ۱، ص. ۱۲۸). به انضمام مقدمه دوم که هرکسی که حقیقت و گوهر دین نزد او باشد، باید مرجع تبیین دین و هدایت باشد، به این نتیجه می‌رسیم که مرجعیت و هدایت مردم از آن اهل‌بیت (ع) است.

جدایی‌ناپذیری حب خدا و رسول خدا از دوستی اهل‌بیت (ع)

حب اهل‌بیت، نشانه حب خدا و رسول خدا (ص) است. هرگاه حب به خدا و رسولش محقق شد، حب اهل‌بیت نیز محقق خواهد شد؛ یعنی حب خدا و رسول خدا جدای از حب اهل‌بیت نیست. در نتیجه، آنچه از اهل‌بیت بر تو صادر می‌شود، اگرچه مطابق سلیقه‌ات نباشد، جمال و زیبایی است که به‌سبب وقوع آن‌ها از ایشان متعم و برخوردار می‌شوی. آنگاه خواهی دانست که خداوند به تو چه عنایتی فرموده که آنان را برای خدا دوست می‌داری و تو را جزو کسانی نام برده که از محبتش بوده و بر نظر او خطور کرده‌ای و آن‌ها اهل‌بیت رسول‌اند. پس خدا را بر این نعمت سپاس کن؛ زیرا آنان تو را با زبان‌های پاک نام برده‌اند؛ زبان‌هایی که خداوند تطهیرشان کرده، تطهیری که دانست به آن نرسیده است.^{۲۴} (ابن‌عربی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۳۹)

۲۴. «فلو صحت محبتک لله و لرسوله، أحببت أهل بیت رسول الله - ص! - و رأیت کل ما یصدر منهم فی حقک، مما لا یوافق طبعک و لا غرضک، أنه جمال تتعم بوقوعه منهم. فتعلم، عند ذلک أن لک عناية عند الله الذی أحببتهم من أجله، حیث ذکرک من ریحہ، و خطرت علی باله و هم أهل بیت رسولہ - ص! - فتشکر الله علی هذه النعمة. فإنهم ذکروک بالسنۃ طاهرة بتطهیر الله، طهارة لم یبلغها علمک.»

این عبارت شیخ نیز، اگر با دقت ملاحظه شود، به وجوب اطاعت اهل بیت (ع) منتهی می‌شود؛ زیرا شیخ مودت اهل بیت را نشانه حب خدا و رسول خدا می‌داند و حب الهی و رسول گرامی جز اطاعت بی‌قید و شرط از فرمان حق تعالی و پیامبرش، معنای صحیح دیگری ندارد. در نتیجه، اگر چنین اطاعتی در کسی یافت نشود، حب خدا و پیامبر (ص) در او وجود ندارد و پر واضح است که فردی که قلبش تهی از محبت خدا و رسولش باشد و فرمان الهی را پشت پا زند، فرجام کارش به کجا منتهی می‌شود!

دشمنان و کینه‌ورزان به اهل بیت، غیر قابل اعتماد و دچار مکر الهی

اگر در کسی دشمنی اهل بیت که همه به آن‌ها و به رسول خدا (ص) محتاج‌اند و به وسیله او هدایت می‌شوند مشاهده گردد، دوستی چنین کسی قابل اعتماد نیست؛ نه دوستی او با افراد دیگر و نه دوستی او با خود پیامبر (ص). اگر کسی نسبت به پیامبر (ص) اظهار محبت کند، لیکن با اهل بیت او دشمنی و کینه‌ورزی داشته باشد، به دوستی او اعتمادی نیست و محبت او نسبت به پیامبر (ص) قابل قبول نیست. چگونه به دوستی تو اعتماد کنم، درحالی که تو نسبت به اهل بیت پیامبر این‌گونه دشمنی و کینه‌ورزی داری؟ سوگند به خدا که این جز از نارسایی و نقص ایمان تو و مکر الهی درباره تو و استدراج خودت نمی‌باشد، به‌گونه‌ای که خودت نمی‌دانی^{۲۵} (ابن عربی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۱۳۹).

عبارت شیخ تصریح دارد که کسانی که نسبت به اهل بیت (ع) کینه‌توزی و دشمنی دارند، دوستی چنین افرادی قابل اعتماد نیست؛ دوستی ایشان با افراد دیگر و دوستی آن‌ها با خود پیامبر (ص) هیچ‌کدام قابل قبول نیست. در واقع، چنین گروهی دچار نفاق‌اند. اعتماد نداشتن و اطمینان نکردن به کسی، نشانه نفاق و دورویی طرف غیر قابل اعتماد است و «نفاق» از ریشه «نق» به معنای خروج و مصدر است، به معنای منافق بودن که در اصل به معنای مخالفت ظاهر با باطن است و منافق و دورو در ادبیات دینی ما به کسی گفته می‌شود که در آشکار دعوی مسلمانی و ایمان کند، ولی در نهان کفر ورزد (فیومی، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۶۱۸).

از تحلیل سخن شیخ در اینجا و نیز در مطلب دیگری از شیخ نسبت به خیانت به اهل بیت (ع) که اندکی بعد بیان می‌شود، چنین فهم می‌شود که کینه‌توزی به اهل بیت (ع) مستلزم منافق بودن کینه‌ورزان است و چنین جماعتی در زمره منافقانی هستند که در آشکار دعوی مسلمانی و ایمان می‌کنند، ولی در نهان کفر می‌ورزند. چگونه چنین نباشد، درحالی که پیامبر (ص) جزو اهل بیت است و کسی که به اهل بیت کینه می‌ورزد، در واقع با خود پیامبر (ص) کینه‌توزی دارد و هرکسی که در آشکار به ساحت پیامبر (ص) اظهار مسلمانی و ایمان کند، ولی در نهان به آن حضرت دشمنی داشته باشد، به یقین در زمره منافقان است.

۲۵. «صورة المکر، أن تقول، و تعتقد: إنک، فی ذلک، تذب عن دین الله و شرعه! و تقول فی طلب حقک: "إنک ما طلبت إلا ما أباح الله لک طلبه." و یندرج الذم، فی ذلک الطلب المشروع، و البغض و المقت، و إیثارک نفسک علی أهل البیت. و أنت لا تشعر بذلک. و الدواء الشافی من هذا الداء العضال، أن لا تری لنفسک معهم حقاً»

از نگاه شیخ، از جملهٔ اسرار اهل‌بیت (ع)، عمل مکر است که خداوند پاره‌ای از بندگان را بدان گرفتار می‌کند. کسانی که به اهل‌بیت (ع) بغض و کینه می‌ورزند، به مکر الهی دچار می‌شوند.

بیان شیخ را به نکات ذیل دسته‌بندی می‌کنیم:

الف) مکر الهی در اینجا بدان معناست که دشمنان اهل‌بیت این گونه می‌پندارند یا معتقدند که در امر دشمنی و کینه‌ورزی با اهل‌بیت (ع) از دین و شریعت الهی دفاع می‌کنند و خودشان را در این عمل ذی‌حق و آن را برایشان مباح می‌پندارند و بدون اینکه متوجه آن باشند، خویششان را بر اهل‌بیت (ع) برتری می‌دهند. چنین عملی از سه جهت تحریف دین الهی است: نخست اینکه دوستی اهل‌بیت (ع) از مسلمات دین است، اما آن‌ها به جای آن، دشمنی اهل‌بیت را در دین وارد کرده‌اند؛ دوم اینکه خودشان را در این عمل ذی‌حق و چنین عمل حرامی را مباح می‌پندارند؛ سوم اینکه با اینکه خداوند اهل‌بیت (ع) را بر همگان سیادت و برتری بخشید و دربارهٔ بلندی مرتبه و علو درجات اهل‌بیت (ع) آگاهی و هشدار داد، لیکن آن‌ها خویششان را بر اهل‌بیت (ع) برتری می‌دهند. همهٔ این‌ها تحریف دین الهی است؛ زیرا ادخال چیزی را که از دین نیست در دین، تحریف آشکار است.

ب) کینه‌توزی با اهل‌بیت (ع) به نافرمانی خدا و رسولش منتهی می‌شود؛ چون پیامبر (ص) خود جزو اهل‌بیت است و به فرمان الهی، مودت اهل‌بیت (ع) را واجب کرده است.

ج) مبغضین اهل‌بیت (ع)، در واقع اغراض و اهداف خودشان را دوست می‌دارند و به خودشان عشق می‌ورزند: «بیشتر مردم چیزی را که رسول خدا (ص) از آن‌ها خواسته است انجام نمی‌دهند و خدا و رسولش را نافرمانی می‌کنند و دوست نمی‌دارند. آنان در واقع اغراض و اهداف خویش را دوست دارند و به خودشان عشق می‌ورزند» (ابن عربی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۱۳۹).

د) کینه‌توزی به اهل‌بیت (ع)، بیماری دشواری است و درمان آن به این است که در برابر اهل‌بیت (ع)، خود را صاحب هیچ حقی نبیند.

ه) مودت اهل‌بیت (ع) جزو اسرار اقطاب است و عموم مردم، بلکه بیشتر خواص که بر مقام قطب و اسرار اقطاب آگاهی ندارند، چنین رازهایی را نمی‌دانند و بر آن جاهل‌اند.^{۲۶}

و) اگر کسی بر سرّ مقام قطب اهل‌بیت (ع) که خدا در آخرت بدان‌ها داده است آگاهی یابد، آرزو می‌کند که ای کاش غلامی از غلامان و بنده‌ای از بندگان آنان باشد!

ز) بالندگی نفوس به مودت اهل‌بیت (ع) است؛ چون خداوند، مودت ایشان را سبب رشد و بالندگی نفوس ما قرار داده است.

۲۶. «فاعلم أن أسرارهم، التي أطلعنا الله عليها، تجهلها العامة، بل أكثر الخاصة التي ليس لها هذا المقام» (ابن عربی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۴۰).

خیانت به اهل بیت، خیانت به رسول خدا و خیانت به شریعت آن حضرت

شیخ در مسئله مودت اهل بیت (ع)، افزون بر آنچه گذشت، باب دیگری گشوده و به آن از زاویه دیگری نیز نگریسته است. وی مودت آن بزرگواران را امانت الهی شمرده و پس از بیان معنای امانت الهی و امانت پیامبر (ص)، به موضوع حفظ امانت خدا و رسول (ص) و خیانت به خدا و رسول پرداخته و دشمنی با آنان را خیانت به خدا و رسول خدا دانسته است.

«خیانت» در لغت، مشتق از «خَوَن» به معنای مخالفت با حق و پیمان شکنی در پنهانی است. نقطه مقابل خیانت، امانت است. گفته می‌شود: «خنت فلانا و خنت أمانة»؛ یعنی با او در حق مخالفت کردم و در امانتش خیانت نمودم. بر این اساس، خداوند فرمود: «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (انفال ۲۷)؛ یعنی خدا و رسول را خیانت نکنید و به امانت‌های میان خود هم خیانت نورزید (راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۱). خیانت و نفاق هردو یکی است، ولی خیانت نسبت به عهد و امانت و نفاق نسبت به دین گفته می‌شود، سپس با هم می‌شوند. پس خیانت، مخالفت حق است با نقض عهد در نهان (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۱۴).

از جمع‌بندی معانی خیانت، به این نتیجه می‌رسیم که خیانت عبارت است از سوءاستفاده از اعتماد شخص یا یک گروه و انجام عملی که آن‌ها را از لحاظ معنوی یا مادی متضرر سازد. جناب شیخ می‌گوید:

از جمله خیانت‌ها، خیانت به پیامبر خدا (ص) در خصوص درخواست ایشان نسبت به مودت اهل بیت اوست. پس باید دانست که حکم شخص پیامبر (ص) و اهل بیتش در امر مودت به آنان یکسان است؛ زیرا او خود یکی از اهل بیت (ع) است. کسی که در ادب نکردن و مهر نورزیدن به اهل بیت (ع)، رسول خدا (ص) را خیانت کرده است، امانت و دین رسول خدا را به او ادا نکرده و رسول خدا (ص) را در آنچه خدا بر آن امین قرار داده است خیانت کرده است؛ زیرا او و اهل بیتش در مودت ما نسبت به ایشان یکسان‌اند. پس هرکس به اهل بیت (ع) او بی‌مهری ورزد، به او بی‌مهری کرده و او را ناخشنود کرده است؛ زیرا او خود یکی از اهل بیت است و دوستی اهل بیت (ع) تبعیض‌بردار نیست؛ زیرا دوستی به اهل تعلق می‌گیرد. پس به‌خاطر بسپار و بر قدر و منزلت اهل بیت آگاه باش که کسی که به اهل بیت خیانت ورزیده، به رسول خدا (ص) خیانت ورزیده است و هرکس به رسول (ص) خیانت کند، به آموزه‌ها و آنچه که رسول خدا آن را به‌عنوان شریعت خود قرار داده، خیانت کرده است.^{۲۷} (ابن عربی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۹)

۲۷. «ومن خیانتک رسول الله (ص) ما سألک فیه من المودة فی قرابته وأهل بیه، فإنه وأهل بیهة علی السواء فی مودتنا فیه، فمن کره أهل بیهة فقد کرهه، فإنه (ص) واحد من أهل البیت، ولا یتبعض حب أهل البیت، فإن الحب ما تعلق إلا بالأهل لا بواحد بعینه، فاجعل بالک وأعرف قدر أهل البیت، فمن خان أهل البیت فقد خان رسول الله (ص)، ومن خان ما سته رسول الله (ص) فقد خانه (ص) فی سنته.»

عبارت شیخ را می‌توان به صورت ذیل تنظیم کرد:

الف) مودت اهل بیت (ع)، امانت الهی است و بی‌مهری به اهل بیت (ع)، بی‌مهری به پیامبر (ص) و سبب ناخشنودی و خیانت به آن جناب است؛ زیرا پیامبر (ص) خود جزو اهل بیت (ع) است.
 ب) هرکسی که امانت و دین رسول خدا (ص) را به او ادا نکند، به آن حضرت خیانت کرده است و هرکس به رسول (ص) خیانت کند، به آموزه‌ها و شریعت آن حضرت خیانت کرده است و هرکسی که به شریعت و سنن پیامبر (ص) خیانت ورزد، در واقع در زمره ایمان‌آوردگان آن حضرت نیست.

آنگاه بحث را با این دو بیت به فرجام می‌رساند:

فَلَا تَعْدِلْ بِأَهْلِ الْبَيْتِ خَلْقًا
 فَأَهْلُ الْبَيْتِ هُمْ أَهْلُ السِّيَادَةِ
 فَيَغْضِبُهُمُ مِنَ الْإِنْسَانِ خَسِرَ
 حَقِيقَتِي وَ حَبِيبَهُمْ عِبَادَةَ

(ابن عربی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۱۳۹).

پس هیچ آفریده‌ای را همسان اهل بیت قرار مده؛ زیرا سروری و آقایی از آن اهل بیت است. پس دشمنی با آنان برای انسان زیان حقیقی و دوستی آن‌ها عبادت است.

در این ابیات نیز معانی بلند و ظریفی نهفته است:

اولاً شیخ به جای تعبیر «هیچ فرد» و «هیچ احد»، تعبیر «هیچ خلق» را به کار برده است و این بدان معناست که اهل بیت (ع) نه تنها در میان انسان‌ها، بلکه در میان همه آفریدگان الهی همسان و عدلی ندارند که تعبیری بسیار وسیع و رفیع است و با تعبیر قبل قابل مقایسه نیست؛ مقامی شامخ که بر مبانی عرفانی شیخ استوار است که انسان کامل را علت غایی خلقت و بذر و میوه درخت هستی می‌داند و از جهت وجود، نخستین موجود، نبض و حافظ خلقت، برزخ جامع حق و خلق، خط فاصل ظل و شمس، نماینده خدا، و نمودار جهان می‌شمارد (ابن عربی، فصوص/الحکم، ج. ۲، صص. ۵۷، ۱۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۷).

ثانیاً آقایی و سیادت از آن اهل بیت (ع) است و هیچ موجودی در آفرینش با اهل بیت (ع) در این سیادت شریک نیست.

ثالثاً بغض اهل بیت (ع) را زیان حقیقی و حب ایشان را عبادت شمرده است که از آن، نکات مهم دیگری کشف می‌شود؛ از جمله عصمت اهل بیت (ع). زیرا چنان‌که در معنای مودت بیان شد، معنای مودت، اطاعت از فرمان کسی است که مودتش فرض شده است و وجوب اطاعت مطلق از کس یا کسانی، ملازم با عصمت آن‌هاست؛ چون فرض قرار دادن اطاعت بی‌قید و شرط از غیر معصوم، با عدالت و حکمت خداوند سازگار نیست. چگونه ممکن است حق تعالی به اطاعت مطلق غیر معصوم فرمان بدهد؟

نتیجه‌گیری

مودت اهل‌بیت، به صریح آیه قرآن کریم، فریضه الهی و بر همه مسلمانان واجب است و مودت اهل‌بیت از مودت خدا و رسول (ص) جدایی‌ناپذیر است. مصادیق اهل‌بیت از نگاه شیخ، با نص پیامبر (ص) معین و مشخص شده است که همان پنج تن آل عبا هستند. معنای مودت با محبت و دوستی صرف تفاوت دارد؛ در معنای مودت، نوع ثبات و دوام نهفته است. پایداری و همراهی با اهل‌بیت (ع) که مودتش ثابت است، معنای معقولی جز حصول بالفعل اثر آن و اطاعت از دستورات و مکتب ایشان ندارد. مودت اهل‌بیت (ع)، امانت الهی و به معنای اطاعت و پیروی از فرامین و رهنمودهای پیامبر (ص) است و مهر نورزیدن به اهل‌بیت (ع)، خیانت و نافرمانی از دستورات آن حضرت است. از آنجا که اطاعت و عصیان، دو امر متقابل‌اند، مودت و پایداری در محبت اهل‌بیت (ع) با نافرمانی و عمل نکردن به دستورات ایشان قابل جمع نیست. در واقع، ادعای مودت پیامبر منهای مودت سایر اهل‌بیت (ع)، یک ادعای دروغین و بی‌پایه است. فرجام مخالفت با اهل‌بیت (ع) جز نزدیک شدن به جهنم و سقوط در آن، نتیجه دیگری ندارد. اطاعت اهل‌بیت (ع) به اطاعت خداوند منتهی می‌شود؛ چون آن بزرگواران جز دستورات الهی به چیز دیگری فرمان نمی‌دهند و به همین دلیل، عبادت شمرده می‌شود. این مهم‌ترین نتیجه این تحقیق و از اهم لوازم مودت اهل‌بیت است که شیخ بدان تصریح ندارد، لیکن با تحلیل سخنان ایشان، چنین نتیجه‌ای به دست می‌آید.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). مسند الامام أحمد بن حنبل (ج ۵۰). بیروت، لبنان: مؤسسة الرسالة.
- ابن عربی، محی‌الدین. (۱۴۲۱ق). مجموعة رسائل ابن عربی (۳ جلد). بیروت: دار المحجة البيضاء.
- ابن عربی، محی‌الدین. (۱۹۷۲). الفتوحات المکیة (عثمان یحیی و ابراهیم مدکور، محققان). قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب
- ابن عربی، محی‌الدین. (بی‌تا). الفتوحات المکیة (۴ جلد). بیروت: دار الصادر.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (بی‌تا). معجم مقاییس اللغة (عبدالسلام محمد هارون، مصحح). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۸). پژوهشی در آیه مودت. معرفت، (۴۸).
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری. قاهره، مصر: وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، لجنة إحياء كتب السنة.
- بدیعی، محمد. (۱۳۸۸). اهل بیت از منظر ابن عربی. کیهان فرهنگی، (۲۲۱).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). مفردات الفاظ القرآن. تهران: مرتضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدارالشامیة.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی.
- شیر، عبدالله. (۱۴۰۷ق). الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین. کویت: مکتبة الفین.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۹). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- طباطبایی، فاطمه. (۱۳۸۲). یک ساغر از هزار: سیری در عرفان امام خمینی. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۲۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (احمد حسینی اشکوری، مصحح). تهران: مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۳۰۵). العین. قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبة الصدر.
- فیومی، احمد بن محمد. (بی‌تا). المصباح المنیر. قم: دارالهجرة.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مظفری، سید محمد؛ و غفاری، حسین. (۱۳۹۶). عصمت اهل بیت از نگاه ابن عربی. پژوهشنامه کلام، (۷)، ۲۳-۴۷.
- مولی مهدی. (۱۳۷۰). جامع السعادات (سید جلال الدین محتبوی، مترجم). تهران: حکمت.
- مهیار، رضا. (بی‌تا). فرهنگ ابجدی عربی-فارسی. بی‌جا.